

علل عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب

◆ فرزانه صمدیان

رئیس گروه صنعت، معدن و انرژی مرکز پژوهش‌های اتاق ایران



اقتصادی و سیاسی نشأت می‌گیرند که به دلیل ایجاد حس عدم اعتماد و بی‌ثباتی در روند متغیرهای کلان اقتصادی، فعالیت‌های تولیدی را به‌سوی طرح‌های با فناوری پایین و بازدهی کوتاه‌مدت، سوق می‌دهد. لذا سرجمع هزینه‌های برشمرده بر عدم جذابیت فعالیت در بخش‌های تولیدی و مولد اقتصادی، دامن می‌زند. از این رو، می‌توان گفت در شرایطی که فضای کلان اقتصاد کشور سطوح گسترده‌ای از بی‌ثباتی و نااطمینانی را به فعالان اقتصادی دیکته می‌کند، تضمین و اجرای حقوق مالکیت ناکارآمد و ضعیف است، هزینه مبادله بالاست، عدم اطمینان نسبت به اجرای قراردادها وجود دارد، فساد در اقتصاد کشور ریشه دوانده است، محدودیت شرایط تحریمی بر اقتصاد کشور هزینه‌افزایی می‌کند و چشم‌انداز روشنی از آینده پیش روی فعالان اقتصادی کشور قرار ندارد، نمی‌توان انتظار داشت که تولید و تولید محوری در اولویت فعالان اقتصادی قرار گیرد. از دیگر علل عدم جذابیت فعالیت‌های تولیدی در اقتصاد کشور، به سیستم پاداش‌دهی ایجاد شده در ساختار اقتصاد کشور مربوط می‌شود. در ساختاری که بیشترین پاداش‌ها به بخش‌های غیرمولد و سوداگرانه داده می‌شود و از بخش‌های حقیقی اقتصاد، نه تنها حمایت کافی صورت نمی‌گیرد بلکه به واسطه رقابت‌های غیرمنصفانه و تبعیض‌های حاکم از گردونه رقابت خارج می‌شوند. سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تولیدی و مولد اقتصادی توجیه اقتصادی پیدا نمی‌کند و عوامل اقتصادی به سمت فعالیت‌های کم‌ریسک‌تر و با بازدهی بالاتر جلب می‌شوند. مصداق روشن سیستم انگیزشی ضد تولید، درآمدهای بادآورده برای گروهی خاص، متأثر از فعالیت‌های سوداگرانه

عدم جذابیت تولید در مقایسه با بازارهای رقیب از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد که به‌طور کلی می‌توان به «فضای کلان اقتصاد کشور» و «سیستم انگیزشی حاکم بر آن» اشاره نمود. در واقع، طی سنوات گذشته و به‌طور ویژه از سال ۱۳۹۷ و نقض یک‌جانبه برجام، محیط کسب‌وکار بیش از گذشته متغیر، بی‌ثبات و نامساعد شد و اقتصاد کشور بر اثر نابسامانی‌های رخ داده، سطوح بالایی از نااطمینانی را تجربه کرد. در طی این دوره قوانین و مقررات یک‌شبه وضع شدند و باطل نشده کنار گذاشته شدند و اقتصاد کشور انواع شوک‌های قیمتی و ارزی را تجربه کرد. در این شرایط چشم‌انداز فعالان اقتصادی نسبت به بازدهی فعالیت‌های مولد اقتصادی مخدوش گردید و انگیزه فعالان اقتصادی برای ورود به فعالیت‌های مولد اقتصادی و سرمایه‌گذاری جدید برای توسعه حوزه فعالیت خود در حد گسترده‌ای کاهش یافت.

اهمیت ثبات اقتصاد کلان در شکل‌گیری و حیات فعالیت‌های مولد اقتصادی از این زاویه دوچندان می‌گردد که بدانیم فعالیت‌های تولیدی با انواع ریسک و مخاطرات درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مواجه‌اند که همین مسئله، جذابیت این فعالیت‌ها را نسبت به سایر فعالیت‌های رقیب تولید تنزل می‌بخشد. در این میان، برخی هزینه‌ها به‌صورت غیرقابل پیش‌بینی و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های کلان بر فعالیت‌های تولیدی اثر می‌گذارد که تغییرات نرخ تورم، نرخ بهره بانکی، حجم تسهیلات اعطایی شبکه بانکی و غیره از آن جمله‌اند. بخش دیگری از هزینه‌ها نیز از عدم ثبات

در بازارهای طلا، ارز و مسکن در سال‌های گذشته است؛ این درحالیست که وضعیت بخش‌های تولیدی در این دوره به‌شدت رو به وخامت بوده است. به‌عبارت‌دیگر سودآوری بالای فعالیت‌های سوداگری در بازارهای رقیب تولید نظیر مسکن، طلا، ارز و غیره سبب گردیده هزینه سرمایه‌گذاری‌های مولد در اقتصاد کشور افزایش یافته و عوامل اقتصادی به‌سوی فعالیت‌های غیر تولیدی، جلب شوند. لذا از الزامات اولیه برای رونق بخشی به تولید، می‌توان به مواردی چون «ثبات بخشی به اقتصاد»، «کنترل بازدهی بازارهای رقیب تولید»، «هم‌سویی سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و تجاری در راستای بهبود محیط کسب‌وکار و تقویت تولید» و «شناسایی و حذف گلوگاه‌های توزیع رانت و فساد در اقتصاد کشور» اشاره نمود تا از این‌گذر، جذابیت کسب‌وکارهای غیرمولد، کاهش و نظام انگیزشی به نفع سرمایه‌گذاری و فعالیت در بخش‌های تولیدی و مولد اقتصادی بازآرایی گردد. ◆◆